

سفارشات تربیتی حضرت امیر علیه السلام به امام حسن علیه السلام در نامه ۳۱ نهج البلاغه

حسین جلائی نوبری^۱

^۱ دانشیار و هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی تبریز-ایران و عضو شورای پژوهشی مرکز توسعه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای معارف اسلامی و علوم سلامت منطقه ۲ کشور

چکیده

تربیت اصل بسیار بنیادی در شکل‌گیری شخصیت هر فرد دارد. تربیت هر انسانی می‌تواند زمینه ساز سعادت یا شقاوت او در دنیا و آخرت باشد. تربیت نسلی صالح و شایسته از وظایف مهم والدین است. دین اسلام دین جامع و کاملی است که در بردارنده تمامی نکات تربیتی و اخلاقی است. هر کس در تربیت فرزند خویش از منابع غنی اسلامی بهره بگیرد بی شک منافع بسیاری خواهد برد. در این مقاله تلاش شده تا با بهره‌گیری از یکی از منابع غنی شیعیان نهج البلاغه، در خصوص تربیت صحیح فرزند با تأکید بر نامه امام علی علیه السلام به امام حسن علیه السلام چندین توصیه مهم ذکر شود. این مقاله از نوع توصیفی و کتابخانه‌ای است و هدف از نگارش آن بیان برخی از توصیه‌های امام علی در خصوص تربیت فرزند است.

واژه‌های کلیدی: اسلام، امام علی، امام حسن، انسان، تربیت

مقدمه

تربیت از مهم ترین نیازهای بشر در طول تاریخ بوده است. در میان ادیان و مذاهب هیچ دینی به اندازه اسلام به تربیت بها نداده است، دین اسلام سرشار از مضامین تربیتی و اخلاقی برای رشد انسان ها است از این رو خداوند برای هدایت انسان و تربیت او قرآن و اولیای الهی را فرو فرستاده تا نشان دهنده راه درست و غلط به انسان باشند.

دوران کودکی و جوانی دو دوران بسیار مهم و تاثیرگذار در تربیت فرزندان است. ذهن و روان افراد در این دو دوران مانند زمین حاصلخیزی برای رشد انواع خلیات پسندیده است. والدین باید این فرصت را غنیمت بشمارند زیرا اگر این فرصت ها از دست برود، جایگزین آن بسیار سخت خواهد بود. والدین برای تربیت فرزندان خود میتوانند از منابع غنی مانند قرآن و نهج البلاغه بهره مند شوند.

یکی از آثار ارزشمند امام علی علیه السلام کتاب نهج البلاغه است. در این کتاب انواع رهنمود ها و مضامین عرفانی اخلاقی و تربیتی وجود دارد.

نامه ۳۱ نهج البلاغه نامه ای با موضوع تربیتی است که امام علی علیه السلام به فرزندشان امام حسن علیه السلام نوشته اند، در واقع در این نامه امام خود را به جای تمام پدران عالم قرار داده اند و خطابشان نیز تمام فرزندان اهل عالم است.

این نامه به عناوین بسیار مهمی از جمله، تقوی، موعظه، یقین، زهد، صبر، ادب، خشوع، توحید، انصاف و نکات مهم دیگری اشاره شده که به دلیل محدود بودن مقاله فقط چند مورد آن ذکر می شود. در این مقاله سعی شده تا با استفاده از نهج البلاغه به این سوال پاسخ دهد که تربیت فرزند چگونه باید باشد تا به نتیجه ای مطلوب برسد؟

تاکنون در مورد «تربیت فرزند» مقالات و کتب بسیاری به چاپ رسیده است که به عنوان پیشینه تحقیق به برخی از آنان اشاره می شود: مقاله (امکان تربیت اخلاقی کودکان تا هفت سال براساس آموزه های اسلام (آیات و روایات) نوشته: موحدی و دیگران، ۱۳۹۷) مقاله (تاملی درباره جایگاه تربیت اخلاقی کودکان در خانواده بر اساس دیدگاه امام علی علیه السلام نوشته مریم اصفهانی، ۱۳۹۷) ش، نشریه اخلاق) مقاله (بررسی موانع تربیت اخلاقی از دیدگاه امام علی علیه السلام نویسنده: فرزانه رفیعی، بیست و نهمین سمینار ملی تخصصی بقیه الله عجل الله تعالی ۱۳۹۶) از اینگونه نوشتارها می توان در جهت آموزش خانواده ها به منظور سلامت روح و روان کودکان و تربیت نسل به اخلاق الهی استفاده نمود.

۱. مفهوم شناسی

۱-۱. مفهوم تربیت

تربیت^۱ در لغت از ماده «ربا» به معنی زاد و نما، افزایش یافت، نمو کرد، گرفته شده است.^۲

^۱ در مقاله ای از نویسنده با عنوان «روشهای تربیت عبادی فرزندان در سیره معصومین (ع)» در مجله فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی، دوره جدید، شماره ۲۶ در سال ۱۳۹۹ به چاپ رسیده است.

^۲ فیومی، احمد بن محمد، مصباح المنیر، ص ۲۱۷

همچنین تربیت از کلمه «رب» به معنی مالک، سید و مربی گرفته شده است و این گونه معنی می شود: انجام وظیفه کردن به شیوه نیکو و پسندیده^۴.

تربیت دارای دو بعد است: تربیت رسمی و تربیت غیر رسمی. منظور از تربیت رسمی آموزش به معنای قدیمی و عام است که در مدارس و دانشگاه ها به آن پرداخته می شود و تربیت غیر رسمی یادگیری از طریق مختلف چون رسانه، کتاب های غیره درسی، فعالیت های تربیتی اجتماعی، محیط، خانواده و ... به دست می آید.^۵

به طور کلی می توان تربیت را اینگونه تعریف کرد: «تربیت عبارت است از فراهم کردن زمینه ها و عوامل برای شکوفا کردن و به فعلیت رساندن استعداد های بالقوه انسان و حرکت تکاملی او به سوی هدف، براساس برنامه ای دقیق و حساب شده.»

۱-۲. مفهوم نهج البلاغه

نهج البلاغه کتابی شامل خطبه ها، نامه ها و جملات کوتاه و حکیمانه امام علی علیه السلام است.^۶

این کتاب یکی از ارزشمند ترین کتب شیعیان می باشد که شامل مضامین توحیدی، عرفانی، اخلاقی، اجتماعی است.

به عقیده برخی پس از قرآن کریم و احادیث نبوی، مهم ترین منبع شناخت اسلام و ارزش های دینی نهج البلاغه است.^۷

این مجموعه ارزشمند را سید رضی جمع آوری کرده است.

۲. ضرورت تربیت فرزند

حضرت علی علیه السلام به عنوان یک پدر در نامه ای که به فرزندشان امام حسن علیه السلام می نویسد، می فرماید: «پسر من ... من فضایل و ارزش های اخلاقی را برای تو نمایاندم و برشمردم ... پیش از آن که خواهش ها و دگرگونی های دنیا به تو هجوم آورند و پذیرش اطاعت مشکل گردد، زیرا قلب نوجوان همچون زمین حاصل خیز و آماده کشت است که هر بذری در آن پاشیده شود می پذیرد. پس در تربیت تو شتاب کردم پیش از آن که دل تو سخت شود و فکر و عقل تو به چیزی دیگر متمایل و مشغول گردد و نیز تا به این وسیله به استقبال کارهایی بروی که صاحبان تجربه زحمت آزمون آن را کشیده اند و تو را از تلاش و یافتن بی نیاز ساخته اند...»^۸

^۳ طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ج ۲، ص ۱۳۹-۱۳۸

^۴ ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱، ص ۳۹۹

^۵ رشید پور، مجید، چگونه باید تربیت کرد، ص ۷۳ و ۷۴

^۶ مصطفوی، سید جواد، معرفی نهج البلاغه، ص ۲۳

^۷ رشاد، علی اکبر، دانشنامه امام علی، ۱۳۸۰ش، ج ۱۲، ص ۱۱

^۸ علی بن ابی طالب، نهج البلاغه، نامه ۳۱

اسلام مسئولیت محوری پدران و مادران را در تربیت اخلاقی و معنوی کودکان و نوجوانان بسیار زیر بنایی می داند و با تعبیر عمیق و آگاهی بخش این امر مهم را به صورت یک شناخت و بینش ضروری در افکار عمومی تثبیت می کند. یکی از نکات مهمی که امام خمینی بارها به آن پرداخته اند، اصل تربیت پذیری انسان است و منحصر به زمان و مکان خاصی نیز نیست. مثلاً در جایی می فرمایند: «اساس عالم بر تربیت انسان است. انسان عصاره همه موجودات است و فشرده تمام عالم است. انبیا آمده اند برای این که این عصاره بالقوه را بالفعل کنند.»^۹

امام سجاد علیه السلام در رساله الحقوق درباره ضرورت تربیت فرزند می فرمایند: «حق فرزند تو این است که بدانی او، از توست و هر گونه که باشد چه نیک و چه بد، در دنیای گذرا به تو منسوب است و تو در آن چه به او سرپرستی داری مسئول هستی، در ادب نیکو و راهنمایی به سوی پروردگار و یاری او بر طاعت خداوند درباره تو و خودش. پس بر این کار پاداش می گیری اگر درست عمل کنی، و کیفر می بینی اگر نادرست عمل نمایی؛ پس او را چنان تربیت کن که با اثری که بر او می گذاری در دنیا زیبایی بیافرینی و با قیام شایسته به وظیفه ای که نسبت به او دادی در نزد خداوند معذور باشی که هیچ قوتی نیست مگر از خداوند.»^{۱۰}

با توجه به نقش اساسی تربیت فرزند در زندگی شخصی و اجتماعی او بنابراین لازم است تا والدین به اهمیت نقش خود واقف شده و در جهت بالا بردن سطح اطلاعات خود در این زمینه کوشش کنند، تا بتوانند فرزندان صالح به جامعه تحویل دهند.

۳. تربیت در دوران کودکی و جوانی

از منظر قرآن زندگی انسان در سه مرحله می باشد؛ مرحله ضعف کودکی، دوران قوت و قدرت جوانی و مرحله ضعف و ناتوانی پیری.

چنانچه می فرماید:

«خدا همان کسی است که شما را آفرید در حالی که ضعیف بودید، سپس بعد از این ضعف و ناتوانی قدرت بخشید و باز بعد از قوت، ضعف و پیری قرار داد، او هر چه بخواهد می آفریند و اوست عالم و قادر.»^{۱۱}

أَيُّ بَنَىٰ إِنِّي لَمَّا رَأَيْتُنِي قَدْ بَلَغْتُ سِنًا، وَرَأَيْتُنِي أَزْدَادًا وَهَنًا، بَادَرْتُ بِوَصِيَّتِي إِلَيْكَ، وَأَوْرَدْتُ خِصَالًا مِنْهَا قَبْلَ أَنْ يَجْعَلَ بِي أَجَلِي دُونَ أَنْ أَفْضِيَ إِلَيْكَ بِمَا فِي نَفْسِي، أَوْ أَنْ أَنْقُصَ فِي رَأْيِي كَمَا نَقِصْتُ فِي جِسْمِي، أَوْ يَسْبِقَنِي إِلَيْكَ بَعْضُ قَلْبَاتِ الْهَوَىٰ أَوْ فِتْنِ الدُّنْيَا، فَتَكُونَ كَالصَّعْبِ الْتَفَوَّرَ. وَإِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِيثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ، مَا أَلْقَىٰ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ، فَبَادَرْتُكَ بِالْأَبِّ قَبْلَ أَنْ ...

^۹ خمینی، روح الله، صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۱۵۳

^{۱۰} ابن شعبه، حسن بن علی، ترجمه: حسن زاده، صادق، تحف العقول، ص ۲۵۷

وَأَمَّا حَقٌّ وَلَدِكَ فَتَعْلَمُ أَنَّهُ مِنْكَ وَ مَصَافٌ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا بِخَيْرِهِ وَ شَرِّهِ؛ وَ أَنْتَ مَسْئُولٌ عَمَّا وَلَّيْتَهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَ الدَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ وَ الْمَعُونَةِ لَهُ عَلَى طَاعَتِهِ فِيكَ وَ فِي نَفْسِهِ فَمُنَابَّ عَلَى ذَلِكَ وَ مُعَاقِبٌ فَاعْمَلْ فِي أَمْرِهِ عَمَلُ الْمُتَزَيِّنِ بِحُسْنِ أَثَرِهِ عَلَيْهِ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا الْمُعَدِّ إِلَى رَبِّهِ فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ بِحُسْنِ الْقِيَامِ عَلَيْهِ وَ الْأَخْذِ لَهُ مِنْهُ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

^{۱۱} روم، ۵۴

حضرت در نامه ۳۱ نهج البلاغه به این نکته اشاره کرده اند که تربیت فرزند را باید از همان سنین کودکی شروع کرد و می فرمایند: «قلب جوان همچون زمین خالی، سرشار از قابلیت و پذیرش است و من پیش از آنکه دلت سفت و سخت شود و بذر دیگری را بپذیرد، به کشت ادب در وجودت همت گماشتم.»^{۱۲}

امام علی علیه السلام برای انتخاب این سن و سال جهت پند و اندرز، سه دلیل بیان فرموده است: «آماده بودن قلب جوان برای پذیرش، عدم قساوت به سبب عدم آلودگی به گناه و عدم اشتغال ذهن به مشکلات زندگی و حیات» هرکدام از این سه به تنهایی برای انتخاب این زمان کافی است تا چه رسد به اینکه همه این جهات جمع باشد.

حضرت معتقدند تربیت را نباید به تعویق انداخت دلیل آن هم واضح است، زیرا از یک سو قلب جوانان پاک و خالی از آلودگی به تعصب های کور و لجاجت و عقاید باطل است، به همین دلیل همانند زمینی است که خالی از هرگونه گیاه و علف هرز مزاحم باشد و هر بذری در آن افشاندن شود به سرعت آن را می پذیرد. از سوی دیگر، تعلقات دنیوی و مادی، او را به خود مشغول نداشته است تا پذیرش او نسبت به حق ضعیف شود.

از سوی سوم تعلیمات انبیا و احکام دین خدا با منافع نامشروع بسیاری از بزرگسالان در تضاد است و آنها حاضر نیستند به آسانی دست از منافع خود بردارند، در حالی که جوانان گرفتار چنین منافعی نیستند.

«اعتقادهای انسان در دوران کودکی، جنبه تقلیدی داشته و از اعتقادات والدین نشأت می گیرد، اما با فرا رسیدن ایام نوجوانی و جوانی و دست یابی به مرحله پیشرفته ای از تفکر، نوجوان مصمم می گردد، تا نظامی از معتقدات و باورها را از نو برای خویش به وجود آورد. در سال های بعد از بلوغ خیلی از پسرها و دخترها داشتن نوعی فلسفه زندگی را برای خود ضروری می یابند. در اکثر موارد بچه ها دیگر پذیرای کورکوانه عقاید و یا بی عقیدگی والدین و اطرافیان خود نیستند و می کوشند شخصیت خود را ارزیابی کنند و احساس می کنند درباره طبیعت و معنی وجود انسان و حتی خود، نیازمند پاسخ به پرسش هایی هستند برخی جوانان به زمینه سخت و مسلط مذهبی چون چوب بست شخصیت خود احساس نیاز می کنند این احساس، حس مسؤولیت آنها را کمتر و زندگی را خیلی ایمن تر می سازد.»^{۱۳}

باید بدانیم که اگر خودمان برای تربیت فرزندمان تلاش نکنیم در جامعه افرادی سود جو طبق اهداف خودشان فرزندان را تربیت و هدایت می کنند، که این امر نتیجه مطلوبی نخواهد داشت. بنابراین پدر و مادر در تربیت اخلاقی فرزند نقش بسیار مهمی دارند و می توانند با دانستن و عمل نمودن به آموزه های اخلاقی به امر مهم داشتن فرزند صالح برسند. در این دوران می توان بنای یک زندگی سالم و سعادتمندانه را پی ریزی کرد و از بروز بسیاری از مشکلات در آینده جلوگیری نمود.

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ

^{۱۲} علی بن ابی طالب، نهج البلاغه، نامه ۳۱

وَإِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِيثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ، مَا أَلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ، فَبَادَرَتْكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَقْسُو قَلْبُكَ

^{۱۳} دوریس اودلوم، سیری در بلوغ، ترجمه: کاظم سامی، محمد رضا ریاضی ص ۱۴۵

۱-۳. جلب اعتماد فرزندان

فرزندان به عنوان یک مقلد و الگوپذیر، والدین خود را سرمشق قرار داده و به صورت غیر مستقیم بسیاری از مسائل اخلاقی را از رفتار آنها آموزش می بینند، بنابراین پدر و مادر به عنوان الگو برای کودکان خود باید اعتماد فرزندان خود را جلب و خیال آنها را درباره توانایی های خویش در زمینه تربیت آسوده کنند و در محبت نمودن به یکدیگر از هیچ تلاشی فروگذار نکنند و قطعاً جلب اعتماد یکدیگر موجب ایجاد یک محیط امن همراه با محبت می شود و ما در سیره ائمه معصومین این رابطه صحیح را با فرزندان می بینیم، به گونه ای که هم خود به آن عمل می کردند و هم به دیگران درباره آن سفارش می فرمودند.

امام علی علیه السلام در نامه ای این گونه اعتماد امام حسن علیه السلام را به خویش جلب می کند: «پسرم اگر چه من به اندازه پیشینیان عمر نکرده ام، ولی در کردار آنها نظر افکندم و در اخبارشان اندیشیدم و در آثارشان سیر کردم، تا آنجا که گویی یکی از آنها شده ام، بلکه با مطالعه تاریخ آنان گویا تا پایان عمرشان با آنان بوده ام. پس قسمت های روشن و شیرین زندگی آنان را از قسمت های تیره آن شناختم و زندگانی سودمند آنان را با دوران زیان بارش شناسایی کردم. سپس از هر چیزی، مهم و ارزشمند آن را و از هر حادثه ای، زیبا و شیرین آن را برای تو برگزیدم و ناشناخته های آنان را دور کردم. پس با دانشی فراوان و اندوخته هایی انبوه آن گونه که پدری مهربان نیکی ها را برای فرزندش می پسندد، من نیز بر آن شدم تا تو را با خوبی ها تربیت کنم»^{۱۴}

بنابراین اولین و مهمترین کاری که والدین در زمینه نقش آفرینی خویش می توانند انجام دهند این است که اعتماد فرزند را به توانایی، دانایی و خیرخواهی خود جلب نمایند تا فرزند بتواند آنان را به عنوان یک پشتوانه محکم بپذیرد.

۲-۳. تذکرات بجا و به موقع

از آنجایی که انسان ها به صورت فطری نسبت به دیگران به ویژه اعضاء خانواده خود حساس و مسئولیت پذیر هستند، باید این حساسیت ها به صورت کنترل شده، معقول و بر اساس دستورات دینی به کودک منتقل شود. یکی از راه های موجود تذکر و نصیحت است که پدران و مادران می توانند به اندازه، در زمان و مکان مناسب از آن استفاده کنند.

امام علی علیه السلام در ضمن خطبه ای فرمودند: «ای مردم انسان هرچند که ثروتمند باشد از عشیره اش بی نیاز نیست که از او با دست و زبانش دفاع کند. زیرا عشیره زمانی که حادثه ای پیش آید پر عاطفه ترین مردم نسبت به او هستند»^{۱۵} این گونه

^{۱۴} علی بن ابی طالب، نهج البلاغه، نامه ۳۱

أَيُّ بُنَى، إِنِّي وَإِنْ لَمْ أَكُنْ عُمَرْتُ عُمَرُ مَنْ كَانَ قَبْلِي فَقَدْ نَظَرْتُ فِي أَعْمَالِهِمْ، وَفَكَّرْتُ فِي أَخْبَارِهِمْ، وَسَرْتُ فِي آثَارِهِمْ حَتَّى عُدْتُ كَأَحَدِهِمْ، بَلْ كَأَنِّي بِمَا أَنتَهَى إِلَى مِنْ أُمُورِهِمْ قَدْ عُمَرْتُ مَعَ أَوَّلِهِمْ إِلَى آخِرِهِمْ، فَعَرَفْتُ صَفْوَ ذَلِكَ مِنْ كَدْرِهِ، وَنَفْعَهُ مِنْ ضَرَرِهِ، فَاسْتَخْلَصْتُ لَكَ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ نَخِيلَهُ، وَتَوَخَّيْتُ لَكَ جَمِيلَهُ، وَصَرَفْتُ عَنْكَ مَجْهُولَهُ، وَرَأَيْتُ حَيْثُ عَنَانِي مِنْ أَمْرِكَ مَا يَعْنِي الْوَالِدَ الشَّقِيقَ، وَاجْمَعْتُ عَلَيْهِ مِنْ أَدَبِكَ أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ

^{۱۵} علی بن ابی طالب، نهج البلاغه، خطبه ۲۳

أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ لَا يَسْتَعْنِي الرَّجُلُ وَإِنْ كَانَ ذَا مَالٍ عَنْ عَشِيرَتِهِ عِثْرَتِهِ وَدَفَاعِهِمْ عَنْهُ بِأَيْدِيهِمْ وَ أَلْسِنَتِهِمْ ...

عواطف بین انسان ها که به طور فطری در وجود آدمی نهاده شده است، موجب می شود که انسان به دیگران احساس نیاز کند و در نتیجه، زمینه اجتماعی زیستن را سبب شود.

لغزش ها و اشتباهات فرزندان بیشتر اوقات به دلیل بی تجربه‌گی و ناپختگی آنان است. پس والدین این اشتباهات را لجاجت یا نادانی تلقی نکنند. این اشتباهات باعث رشد اخلاقی و افزایش تجربه آنان می‌شود.

تذکر به فرزند نباید از سوی یکی از والدین باشد بلکه هر دو باید به او تذکر دهند، تا از یکی از آنان، چهره خشن و از دیگری چهره مهرآمیز درست نشود.

سرزنش فرزند نباید همراه توهین و تحقیر یا دشنام باشد زیرا در روحیه او اثرات نامطلوب می گذارد.

باید توجه داشت که سرزنش نباید جلوی افراد دیگر باشد. اگر به این نکات مهم در تربیت فرزند توجه نشود، به جای اصلاح متربی، زمینه فساد و انحراف وی را فراهم میکند. والدین باید توجه کنند که به جای سرزنش رفتار نادرست کودک، خود کودک و شخصیت وی را تحقیر نکنند. از جمله آسیب های مهم تربیتی، این است که هنگام مشاهده یک لغزش یا انحراف، به جای رفتار نادرست، خود کودک یا شخصیت وی را زیر سؤال ببریم. امام علی علیه السلام در مورد شیوه موعظه می‌فرماید: «هرکس برادر دینی خود را مخفیانه موعظه کند او را آراسته ولی اگر آشکارا و در میان جمع عیوبش را متذکر گردد به شخصیت وی اهانت نموده است.»^{۱۶}

بنابراین وقتی خطایی از فرزندمان دیدیم، باید بدون عصبانیت به او تذکر دهیم و نکات ذکر شده را رعایت کنیم تا موعظه و نصیحت تاثیرگذار باشد.

۳-۳. تذکرات همراه با محبت و احسان باشد

امام علی علیه السلام در منشور تربیتی خود به امام حسن مجتبی علیه السلام به این نکته مهم و ظریف توجه نموده و می‌فرماید:^{۱۷} «فرزند دلبندم چون دیدم سالیانی را پشت سر نهاده و به سستی در افتاده ام، بدین وصیت برای تو مبادرت نموده ام و خصلت هایی را در آن بر شمردم پیش از آنکه مرگ بشتابد و مرا دریابد و آنچه در اندیشه دارم به تو ناگفته ماند یا اندیشه ام همچون تنم نقصان بهم رساند یا پیش از نصیحت من پاره ای خواهشهای نفسانی بر تو غالب گردد یا فریبندگی های دنیا تو را بفریبد و همچون شتری گریزان و نا فرمان باشی. و به درستی که دل جوان همچون زمین ناکشته است، هرچه در آن افکنند، بپذیرد. پس به ادب آموختن پرداختم پیش از آنکه دلت سخت شود و خردت هوایی دیگر گیرد.»^{۱۸}

^{۱۶} مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۳۷۴

^{۱۷} در مقاله ای از نویسنده با عنوان «بررسی انواع تشویق و تنبیه در تربیت کودک از دیدگاه اخلاق اسلامی» در مجله، فصلنامه پژوهشنامه مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی، سال چهارم، شماره ۳۴، ۱۴۰۰ به چاپ رسیده است.

^{۱۸} علی بن ابی طالب، نهج البلاغه، نامه ۳۱، ترجمه جعفر شهیدی، ص ۲۹۷

أَيُّ بُنَى إِنِّي لَمَّا رَأَيْتُنِي قَدْ بَلَغْتُ سِنًا، وَ رَأَيْتُنِي أَرْدَادُ وَهْنًا....

والدین باید با الگوگیری از روش بیان نصیحت و موعظه صحیح اولیای خدا روش درستی را برای بیان نکات آموزنده به کار گیرند، و مانند ایشان با مهر و عطوفت و در کمال احترام با فرزندشان سخن گویند تا شخصیت او تکریم شود و از نافرمانی و لجاجت در مقابل والدین حیا بورزد.

بنابراین برخورد مناسب و خوش اخلاقی یکی دیگر از اصول تذکر دادن و نصیحت دیگران است. امام علی علیه السلام از آن به حسن خلق تعبیر کرده اند و در برخورد با دیگران رعایت آن را سفارش نموده اند: «هیچ آسایش و لذتی گوارا تر از حسن خلق نیست.»^{۱۹}

۴. تقویت ایمان و تقوا

در بخشی از نامه، امام علی علیه السلام اندرزهای روح پرور و سازنده خود را این چنین بیان می کنند و می فرماید: «پسرم تو را به تقوای الهی و التزام به فرمان او و آباد کردن قلب و روح با ذکرش و چنگ زدن به ریسمان الهی توصیه می کنم»:

سفارش به تقوا همان سفارشی است که همه انبیا و اوصیا سرآغاز برنامه های خود بعد از ایمان به پروردگار قرار داده اند، همان تقوایی که توشه راه آخرت و ملاک برتری انسان ها بر یکدیگر و کلید در بهشت است.

امام علی علیه السلام در مورد تقوا می فرماید:

«نهایت خشنودی خداوند از بندگانش و خواسته او از آفریدگانش تقواست، پس تقوا از خداوندی بکنید که اگر پنهان کنید می داند و اگر آشکار سازید می نویسد.»^{۲۱}

در اینجا امام تقوا را نهایت خواسته خداوند از بندگان خویش معرفی میکند و از این راه اهمیت مسئله تقوا را یاد آور می شود. همچنین ایشان در مورد نشانه های افراد با تقوا می فرمایند: «تقوای پیشگان نشانه هایی دارند که با آنها شناخته می شوند: راستگویی، امانتداری، وفای به عهد و...»^{۲۲}

«تقوای پیشه برای انجام هر کار خیری سبقت می گیرد.»^{۲۳}

^{۱۹} آمدی، ابوالفتح، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۵۵، ح ۵۳۷۹

^{۲۰} نهج البلاغه نامه ۳۱

يَا بَنِيَّ اَنْ اَحَبَّ مَا اَنْتَ اَخَذَ بِهِ اِلَيَّ مِنْ وَصِيَّتِي تَقْوَى اللّٰهِ وَالْاِقْتِصَارُ عَلَيَّ مَا فَرَضَ اللّٰهُ عَلَيْكَ وَ الْاِخْذُ بِمَا مَضَىٰ عَلَيْهِ الْاَوَّلُونَ مِنْ اِبَانِكَ وَالصَّالِحُونَ مِنْ اَهْلِ بَيْتِكَ

^{۲۱} لیثی واسطی، علی بن محمد عیون الحکم و المواعظ، ص ۱۵۴

ان التقوى منتهى رضى الله من عباده و حاجته من خلقه فاتقوا الله الذى ان اسررتم علمه و ان اعلنتم كتمه

^{۲۲} عیاشی، محمد بن سعود تفسیر العیاشی ج ۲، ص ۲۱۳

^{۲۳} دیلمی، حسن بن محمد، اعلام الدین، ص ۱۸۶

آشنا ساختن فرزندان با خداوند و اطاعت او، از جمله حقوقی است که فرزندان به گردن والدین دارند و اگر نسبت به این حقیقت کوتاهی شود، یقیناً در روز قیامت، آن را مطالبه می‌کنند. فرازی از رساله حقوق امام سجاد علیه‌السلام را با هم بخوانیم:

«حق فرزند بر تو این است که بدانی او از تو است و در این دنیا به تو وابسته است و خوبی یا بدی او به تو نیز می‌رسد. و اینکه بدانی تو نسبت به تربیت او مسئولیت داری و باید نسبت به ادب کردن نیکوی او و راهنمایی‌اش به پروردگارش و کمک به اطاعت از پروردگارش اهتمام داشته باشی. پس درباره تربیت او مانند کسی عمل کن که می‌داند در برابر خوبی‌هایی که به او می‌کند پاداش می‌گیرد و در برابر کوتاهی‌هایی که در تربیت او می‌کند، بازخواست شده و مورد عقاب قرار می‌گیرد.»

تقوا به معنای خدا ترسی درونی و پرهیز از هرگونه گناه و احساس مسئولیت در پیشگاه پروردگار که سد محکمی در میان انسان و گناهان ایجاد می‌کند.^{۲۴}

کسی که تقوا دارد اهل مراقبت و محاسبه از نفس خودش است و می‌داند که در این جهان هر چیزی حساب و کتابی دارد، پس باید مواظب اعمال و رفتار خودش باشد. زیرا می‌داند که خداوند در هر لحظه ناظر بر رفتار و کردار او هست. پس جوان اهل تقوا از تمام لحظات زندگی اش برای اطاعت از خدا و فرمانبرداری از او استفاده می‌کند. چنین شخصی که اهل تقوا است مواظبت بر اعمالش دارد. گناه را به حداقل می‌رساند و سعی در تزکیه نفس خود دارد پس این جوان به جای مشغول شدن به هوی و هوس راه پیشرفت در امور دنیا و آخرت را پیش می‌گیرد و برای زندگی خود اهداف ارزشمند دارد.

پیامبر بزرگوار اسلام صلی‌الله علیه و آله در مورد آثار تقوا می‌فرماید:

«هر کس دوست دارد که عمرش طولانی و روزی اش زیاد شود، تقوای الهی پیشه کند و صله رحم نماید.»^{۲۵}

برای آموزش تقوا و تقویت ایمان فرزندان والدین باید محاسبه و مراقبت از رفتار را به فرزندان آموزش دهند برای این کار والدین باید فواید محاسبه نفس را به آنان بیاموزند و به او بفهمانند که مراقبه از نفس باعث خودداری از انجام گناهان و باعث رشد و پرورش ابعاد مثبت فرد می‌شود.

۵. تربیت دینی فرزند

امام در بخشی از نامه این چنین می‌فرماید: «و نظرم این شد که چون مهم آمد مرا از کار تو آنچه که برای پدری مهربان مهم می‌آید و آنچه عزم کردم بر آن (که عبارت از ادب تو است) که این کار و اقدام من برای امر تادیب تو صورت بگیرد در حالی که تو رو آورنده به عمر و تازه مواجه با روزگاری و دارای نیتی سالم و نفسی پاک و مصفا می‌باشی. و رأیم چنین شد که آغاز کنم درباره تو، به آموزش کتاب خدا و تاویل آن و قوانین اسلام و احکام و حلال و حرام آن و تو را از این محور به سوی غیر آن نبرم و به امور دیگر نپردازم.»^{۲۶}

^{۲۴} کریمی جهرمی، علی، به سوی مدینه فاضله

^{۲۵} کوفی اهوازی، حسین بن سعید، الزهد ص ۳۹، ح ۱۰۴

^{۲۶} نهج البلاغه، نامه ۳۱

از اینجا استفاده می کنیم که پدرانی که در پی تربیت فرزندان خود نیستند، در حقیقت، کار فرزند برایشان مهم نیست و ارزش و اعتباری برای فرزندان خود قائل نیستند و از این رو احساس مسئولیتی درباره آنان نمی کنند.

پدری که تغذیه جسمانی فرزند برایش مسئله بوده، ولی تغذیه ی فکری و روحی برایش مطرح نیست، باید گفت فرزند برای او مهم نمی باشد و اگر نه تغذیه فکری و تربیت فرزند به مراتب از غذای جسمانی او مهم تر است.

مطلب دیگری که در مورد تربیت فرزند بسیار مهم است مربوط به برنامه ادب آموزی است که امام بزرگوار اینگونه به آن اشاره کرده اند و اساس اولیه تربیت را تکیه بر قرآن و شرع میدانند و می فرمایند: «من مصلحت را در این دیدم که تربیت تو را با تعلیم کتاب قرآن کریم و تأویل آن آغاز و شروع نمایم، مقررات و شرایع اسلام و احکام و حلال و حرام آن را به تو یاد دهم.»^{۲۷} باید توجه داشت که عالی ترین سیستم تربیت فرزند، همان آموزش تعلیم دینی است. در تعلیم دینی و سیره اهل بیت تمام نکات تربیتی و حتی جزئی ترین نکات هم در نظر گرفته شده است. دین اسلام دینی است که حتی برای پیش از زمان انعقاد نطفه یا دوران جنینی و تمام دوران زندگی افراد برنامه جامع و کامل هدایتی دارد. با بهره گیری از این نکات میتوان بهترین تربیت فرزند را داشت و بهترین و غنی ترین کانون فیض و چشمه سار جوشانی که هر چه از آن مصرف شود از آن کاسته نمی شود و انسان ها به برکت آن بهره مند و برخوردار شده و بی نیاز می گردند، قرآن کریم است. برای تربیت نفوس مستعد، عالی ترین مواد و برنامه ی نورانی و درخشان قرآن است. با قرآن کریم می توان نسلی صالح و سالم ساخت و در پرتو قرآن می شود استعداد های خفته را بیدار و شکوفا کرد.

«از نگاه دین، خانواده در سه مرحله به تربیت دینی فرزندان می پردازد. در مرحله اول زندگی، کودکان از طریق مشاهده رفتار دینی والدین، آموزش های کوچک درباره دین مانند یادگیری برخی از ذکرها و رفتارهای ساده مانند جهت یابی قبله، وضوگیری و نیز دریافت پاسخ های صحیح در قبال پرسش های دینی خود از والدین، پایه های اولیه دینداری را در خود ایجاد می کنند. این مرحله دوره هفت ساله اول زندگی کودک می باشد. در دوره هفت ساله دوم که دوره ابتدایی است، با جدیت و تقاضای قوی تری که والدین از فرزندان نسبت به توجه در امور دینی و نیز آموزش شیوه های صحیح اجرای آن دریافت می کنند، رفتارها را به صورت اولیه در خود نشان می دهند. در واقع در این دوره والدین به صورت جدی تر به تربیت دینی فرزندان می پردازند و از آنها می خواهند که نسبت به امور دینی توجه نشان دهند. در دوره سوم که دوران متوسطه اول و دوم یکی است، انتظار می رود که این آموزش ها و مقدمه چینی ها نتیجه داده باشد و نوجوان رفتار دینی را به عنوان بخشی از برنامه های روزانه خود در نظر بگیرد. والدین باید توجه داشته باشند، در تمام این سه دوره، از هر نوع شتاب زدگی، انتظار بیش از توان، سخت گیری، سرزنش و دیگر روش های منفی پرهیز کنند و دین را با خاطراتی شیرین و جذاب در کام کودکان قرار دهند.

رَأَيْتُ حَيْثُ عَنَانِي مِنْ أَمْرِكَ مَا يَعْنِي الْوَالِدَ الشَّفِيقَ، وَ أَجْمَعَتْ عَلَيْهِ مِنْ أَدَبِكَ أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ، وَ أَنْتَ مُقْبِلُ الْعُمْرِ، وَ مُقْتَبِلُ الدَّهْرِ، ذُو نِيَّةٍ سَلِيمَةٍ...

^{۲۷} همان وَ أَنْ أَبْتَدِيكَ بِتَعْلِيمِ كِتَابِ اللَّهِ وَ تَأْوِيلِهِ، وَ شَرَائِعِ الْأِسْلَامِ وَ أَحْكَامِهِ، وَ حَلَالِهِ وَ حَرَامِهِ، لَا أَجَاوِزُ ذَلِكَ بِكَ إِلَى غَيْرِهِ.

بررسی های علمی نشان می دهند که بیشتر مخالفان مذهب از دو گروهند: یا فردی است که در دوران کودکی و نوجوانی آگاهی و تربیت مذهبی به او نداده اند و دیگر فردی که تربیت مذهبی دوران کودکی اش با خشونت و سختگیری توأم و همراه بوده است و یا کودک را در عین نفهمیدن مسئله ای وادار به عمل و انجام آن کرده اند.^{۲۸}

۶. انصاف داشتن

انصاف را به معنای عدالت ورزی، اجرای قسط، رفتار درست و مطابق با عدالت، رعایت حق و تضاد ظلم دانسته اند. انصاف از جمله فضائل اخلاقی است که بر رعایت مساوات و برابری در رفتار با دیگران و پرداخت حقوق مردم بدون تبعیض اشاره دارد.^{۲۹}

حضرت علی علیه السلام در فرمانش به مالک اشتر می نویسد: «نسبت به خدا و بندگان انصاف را از دست مده و نسبت به اطرافیان و خانواده و زیردستان انصاف داشته باش که اگر انصاف را پیشه خود نسازی، ستم کرده ای و کسی که به بندگان خدا ستم کند، خدا دشمن او است.»^{۳۰}

روش انصاف را در کودکان می توان از همان سال های اولیه آغاز کرد. از آنجا که همیشه سرمشق بهترین آموزگار است، گام نخست این است که با انصاف با فرزندمان رفتار کنیم و به این ترتیب انصاف را به او نشان دهیم. گام دوم به فرزندمان کمک می کند تا رفتارهای منصفانه مانند مشارکت، سازش بدون تعصب، گوش دادن و منصفانه حل کردن مشکلات را یاد بگیرد. گام آخر راه هایی برای مقابله با بی انصافی نشان و پیشنهادهایی برای پروژه های خدمات اجتماعی ارائه می دهد. این سه گام عبارتند از:

گام ۱: با انصاف با فرزندتان رفتار کنید.

گام ۲: به فرزندتان کمک کنید تا یاد بگیرد با انصاف رفتار کند.

گام ۳: به فرزندتان راه های مبارزه با بی انصافی و بی عدالتی را بیاموزید

باورتان را درباره انصاف در میان بگذارید.

^{۲۸} www.tebyan.net

^{۲۹} واسطی، تاج العروس، دهخدا، علی اکبر، دهخدا، لغت نامه دهخدا

^{۳۰} طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۹۳

^{۳۱} نراقی، مهدی بن ابی ذر، جامع السعادات، ج ۱، ص ۲۴۱

^{۳۲} راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات، ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب

^{۳۳} علی بن ابی طالب، نهج البلاغه، نامه ۵۳

مرتب با فرزندان دربارهٔ باورهای تان و علت آنها حرف بزنید. مهم است که او با معیارهای اخلاقی شما آشنا شود. برنامه‌های تلویزیونی، فیلم‌ها، روزنامه‌ها و کتاب‌ها پر از مطالبی دربارهٔ عدل و انصاف است، پس از آنها استفاده کنید و باورهایتان را با کودکان در میان بگذارید.

با انصاف و بدون تعصب به حرف‌های فرزندان گوش دهید.

یکی از ویژگی‌های مشترک افراد با انصاف این است که بدون پیش‌داوری، خوب به حرف‌های همه گوش می‌دهند. با گوش دادن دقیق نه تنها به فرزندان نشان می‌دهید که برای افکار او احترام قائلید، بلکه سرمشق انصاف نیز می‌شوید.

۷. خودپسندی

امام در بخشی از نامه می‌فرماید «بدان که خودپسندی ضد درستی، و آفت عقل‌ها است.»^{۳۴}

از خود راضی بودن خطا است و خلاف رشد انسان است. بزرگترین آفت عقل همان خودپسندی و عجب است، عقل انسان بر اثر عجب آفت زده می‌شود و نورانیت خرد انسان بر اثر عجب زائل می‌گردد و ظلمات و تاریکی، عقل و فکر او را فرا می‌گیرد. انسان بر اثر عجب، آنچنان ظلمانی می‌شود که در عین نادانی خود را حکیم و مجمع فضائل و کمالات می‌بیند و در پی رفع جهل خود تلاش نمی‌کند.

از امام باقر علیه السلام نقل شده که: «دو نفر وارد مسجد شدند یکی عابد و دیگری فاسق، ولی بیرون رفتند در حالی که شخص فاسق، مومنی راستین شده بود و آن عابد فاسق گردیده بود، و این بدان جهت بود که عابد، به عبادت خود می‌بالید و دلخوش بود و فکرش در این جهت دور می‌زد، ولی اندیشه‌ی فاسق در پشیمانی بر فسقش بود و از خداوند از گناهی که انجام داده بود طلب غفران می‌کرد.»^{۳۵}

حضرت عیسی فرمودند: «من بیماران را مداوا کردم و همه‌ی آنها را شفا دادم به اذن خدا، انسان مبتلا به پیسی را مداوا کردم به اذن خدا، مردگان را زنده کردم به اذن خدا، شخص احمق را هر چه کردم معالجه کنم قدرت پیدا نکردم او را اصلاح کنم. به حضرت عیسی عرض کردند: احمق کیست؟ فرمود: کسی که خودپسند است و خودرأی است و مستبد به رأی است، کسی که تمام فضائل و خوبی‌ها را برای خود می‌خواهد و دوست ندارد بر علیه او هیچ اتفاقی بیفتد.»^{۳۶}

^{۳۴} نهج البلاغه نامه ۳۱

وَاعْلَمْ أَنَّ الْإِعْجَابَ ضِدُّ الصَّوَابِ وَ آفَةُ الْأَلْبَابِ

^{۳۵} کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، کافی، ج ۲ ص ۳۱۴

^{۳۶} مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۳۲۰

دَاوَيْتُ الْمَرْضَى فَشَفَيْتُهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ أَبْرَأْتُ الْأَكْمَهَ وَ الْأَبْرَصَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ عَالَجْتُ الْمَوْتَى فَأَحْيَيْتُهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ عَالَجْتُ الْاَحْمَقَ فَلَمْ أَقْدِرْ عَلَى إِصْلَاحِهِ فَقِيلَ يَا رُوحَ اللَّهِ وَ مَا الْاَحْمَقُ قَالَ الْمُعْجَبُ بِرَأْيِهِ وَ نَفْسِهِ الَّذِي يَرَى الْفَضْلَ كُلَّهُ لَهُ لَا عَلَيْهِ وَ يُوجِبُ الْحَقَّ كُلَّهُ لِنَفْسِهِ وَ لَا يُوجِبُ عَلَيْهَا حَقًّا فَذَاكَ الْاَحْمَقُ الَّذِي لَا حِيلَةَ فِي مُدَاوَاتِهِ.

بنابراین همانطوری که امام هم در این نامه بیان کرده اند خود پسندی یکی از افات دین است و باید هم در والدین و هم در فرزندان این صفت وجود نداشته باشد.

نتیجه گیری

برای تربیت صحیح و پرورش نسلی شایسته لازم است ابتدا والدین مهارت های کافی را کسب کنند، زیرا تربیت و موعظه بدون مهارت کافی ممکن است نتیجه عکس داشته باشد و از همان دوران کودکی تربیت را آغاز کنند. برای تاثیر گذاری باید با فرزندان روابط گرم و دوستانه داشته باشند. والدین پس از کسب مهارت باید کردار خود را نیز اصلاح کنند و رفتاری شایسته داشته باشند. در واقع والدین زمانی می توانند نسلی شایسته را تربیت کنند که خودشان دارای صفات و خلیات پسندیده باشند.

اگر والدین رفتار و منش خود را اصلاح کنند در واقع اصل کار را انجام داده اند زیرا کودک بسیاری از اعمال خود را از رفتار و کردار والدین می آموزد.

نامه ۳۱ نهج البلاغه مضامین بسیار مهمی در رابطه با تربیت فرزندان دارد که والدین می توانند از این مضامین استفاده کنند. تربیت با تکیه بر مبانی دینی از بهترین اصول تربیتی است زیرا دین اسلام برنامه کامل زندگی بشر است و تمام مسائل مربوط به رستگاری و سعادت در آن به خوبی بیان شده است. پس ما شیعیان که دارای غنی ترین منابع تربیتی هستیم نباید از این منابع غنی و برکات آن در زندگی روزمره غافل شویم و بدانیم که با تکیه بر قرآن و اهل بیت همواره سعادتمند خواهیم بود.

منابع

قرآن

نهج البلاغه

ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارصادر داریروت، ۱۳۷۵ هـ ش

ابن شعبه، حسن بن علی، مترجم: حسن زاده صادق، تحف العقول عن آل الرسول، قم، ۱۳۸۲ هـ ش

انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، نشر سخن، ۱۳۸۱ هـ ش

آمدی، ابوالفتح، غرر الحکم و درر الکلم، قم، دار الکتب الاسلامی، ۱۴۱۰ هـ ق

پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، انتشارات جاویدان، ۱۳۶۲ هـ ش

خمینی، روح‌الله، **صحیفه امام**، مجموعه آثار امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ پنجم، ۱۳۱۲ هـ ش

دهخدا، علی اکبر، **لغت نامه دهخدا**، مجموعه چهارده جلدی چاپ اول از دوره جدید، تهران، بهار ۱۳۷۳، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۷۷ هـ ش

دیلمی، حسن بن محمد، **اعلام الدین فی صفات المومنین**، بیروت، مؤسسه آل البيت لاحیا التراث، ۱۳۶۷ هـ ش

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **المفردات فی غریب القرآن**، تهران، المکتبه المرتضویه لاحیاء آثار الجعفریه، ۱۳۸۳ هـ ش

رشاد، علی اکبر، **دانشنامه امام علی**، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۳ هـ ش

رشیدپور، مجید، **چگونه باید تربیت کرد؟**، انجمن اولیا و مربیان، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۷ هـ ش

زبیدی، مرتضی، محمد بن محمد، **تاج العروس من جواهر القاموس**، بیروت، دار الهدایه، ۱۳۸۵ هـ ق

سید رضی، محمد بن حسین، **نهج البلاغه**، مترجم: محمد دشتی قم، انتشارات مشهور، ۱۳۷۹ هـ ش

صافی گلپایگانی، لطف الله، **به سوی دولت کریمه**، قم، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۹ هـ ش

طباطبایی، سید محمدحسین ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، **ترجمه تفسیر المیزان**، قم، مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، ۱۳۸۷ هـ ش

طبرسی، فضل بن حسن، **مجمع البیان**، تهران، ۱۳۷۲ هـ ش

طریحی، فخرالدین، **مجمع البحرین**، تهران، ۱۳۶۲ هـ ش

عمید، حسن، **فرهنگ عمید**، انتشارات امیر کبیر، چاپ ششم، سال ۱۳۳۵ هـ ش

عیاشی، محمد بن سعود، **تفسیر العیاشی**، قم، مطبعه العلمیه، چاپ مکتبه الاسلامیه، ۱۳۸۰ هـ ق

فیومی، احمد بن محمد بن علی، **المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی**، قاهره، دار المعارف ۱۳۵۶ هـ ش

کریمی جهرمی، علی، **به سوی مدینه فاضله**، راسخون ۱۳۸۴ هـ ش

کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، **اصول کافی**، تهران، جهان آرا، ۱۳۸۷ هـ ش

کوفی اهوازی، حسین بن سعید، **الزهد**، قم، المطبعه العلمیه، ۱۳۹۹ هـ ق

لیثی واسطی، علی بن محمد، **عیون الحکم و المواعظ**، قم، دار الحدیث، ۱۳۷۶ هـ ش

مجلسی، محمدباقر، **بحار الانوار**، تهران، مؤسسه دارالکتب اسلامیه، ۱۳۱۵ هـ ق

مصطفوی، جواد، **معرفی نهج البلاغه**، مشهد، آستان قدس رضوی، مؤسسه چاپ و انتشارات مشهد، ۱۳۶۴ هـ ش

معین، محمد، فرهنگ معین، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۰ هـ ش

موسوی همدانی، سید محمدباقر، ترجمه تفسیر المیزان، قم، مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، ۱۳۸۷ هـ ش

نراقی، مهدی بن ابی ذر، جامع السعادات، لبنان، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۱۹۶ هـ ق

کتاب انگلیسی

اودلوم، دوریس، سیری در بلوغ، مترجم: ریاضی، محمود، سامی، کاظم، تهران، انتشارات توس، ۱۳۵۴ هـ ش

سایت

www.tebyan.net